اشاره به آیه‌ی «يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ» در روایت داود رقی

- کلام مجمع البیان ذیل آیه؛ «تتضمن جميع ما يتناوله المكلف»
- معانی مختلف در «صابروا»
- «انتظار نماز بعدی» در معنای «رابطوا»
- کلام المیزان ذیل آیه؛ «فذلكة للسورة»
- مراتب «رابطوا» در کلام مرحوم مصطفوی
- تطبیق «صابروا» بر تقیه، در برخی از روایات

کلام مجمع البیان ذیل آیه؛ «تتضمن جميع ما يتوله المكلف»

بنده به فرمایشاتی که علما دارند، برگردم. چرا این حدیث خیلی بزرگ است؟ چرا گوید این حدیث، همه معارف را خلاصه کرده است؟؛ به‌خاطر این‌که، همین که حضرت دهن باز می‌کنند و می‌خواهند بدء عالم خلقت را بگویند، صحبت را سر میثاق می‌برند. وقتی میثاق را مطرح می‌کنند، کی آیه‌ای را می‌گویند که این آیه، به شهادت مفسرین، گوید عصاره و خلاصه‌ی دین و انسان، خلاصه‌ی مطالب مبدأ و معاد است: «**يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ**»[1]. کلمات علما، در این زمینه را، عرض کنم.

مرحوم طبرسی رضوان اللّه علیه، وقتی به این آیه‌ی شریفه می‌رسند، این جمله را دارند:

> «وهذه الآية تتضمن جميع ما يتوله المكلف لأنّ قوله: (اصبروا) يتوال لزوم العبادات، واجتناب المحرمات. (وصابروا) يتوال ما يتصل بالغير كمجاهدة الجن والإنس، وما هو أعظم منها من جاد النفس. ورابطوا يدخل فيه الدفاع عن المسلمين، والذبّ عن الدين. (واتقوا اللّه): يتوال الانتهاء عن جميع المناهي والزواجر، والائتمار بجميع الأوامر، ثم يتبع جميع ذلك الفلاح والنجاح»[2].

«**و هذه الآية**»؛ آیه‌ای که امام علیه‌السلام به‌عنوان سبب و مبدأ انتخاب کرده‌اند و گوید کل را در کپسول خلاصه کرده‌اند، «**تتضمن جميع ما يتوله المكلف**»؛ یعنی این آیه، این قدر مختصر است؛ یک سطر از قرآن کریم است، اما این قدر مطلب در آن هست.

«**لأنّ قوله: (اصبروا) يتوال لزوم العبادات، واجتناب المحرمات. (وصابروا) يتوال ما يتصل بالغير**»؛ «**اصبروا**» یعنی وظایف فردی، «**صابروا**» یعنی وظایف اجتماعی، «**كمجاهدة الجن والإنس، وما هو أعظم منها من جاد النفس**».

«**و رابطوا يدخل فيه الدفاع عن المسلمين، والذب عن الدين**»؛ غیر از روابط اجتماعی، ابقای دین، دفاع از دین را هم در بر دارد. تا دین برای آیندگان هم بماند و آنها از اسلام بهره‌مند شوند. «**(واتقوا اللّه): يتوال الانتهاء عن جميع المناهي والزواجر، والائتمار بجميع الأوامر، ثم يتبع جميع ذلك الفلاح والنجاح**»؛ سبب و هدف. این بیان مرحوم طبرسی ذیل این آیه است. البته قبلش چند معنا می‌فرمایند.

[1]. آل عمران، آیه‌ی ۲۰۰.

[2]. شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات)، ج ۲، ص ۴۸۲.

معانی مختلف در «صابروا»

در جلسه‌ی قبل، از کتاب التحقیق، عرض کردم که معنای «صابروا»، استمرار باشد. به گمانم خود مرحوم آقای مصطفوی به‌صورت لطیف و ظریف، چیزی که بنده عرض کردم را، روی مبنای خودشان گفته‌اند؛ ولی یک لطیفه‌ی قشنگی به آن اضافه کرده‌اند. این را در کلامشان دیدم، دیدم خوب است، بگویم. «صابروا» را گفتیم به‌معنای صبری استدامه‌دار است. در کتاب التحقیق، ذیل ماده‌ی «ربط»، می‌فرمایند:

> «يا أيها الذين آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا»؛ الصبر في قبال الوظائف و المكاره، و المصابرة ادامة الصبر و الثبات عليه بحيث يظهر الصبر منه على اللسان و يتجلى بين الناس، و المرابطة تحقق الارتباط بينهم، و يعبر عنه- بالفارسية بكلمة- وابسته شدن و بستگی پیدا كردن- و هذه المقدمات الثلث و تحققها لازمة في كل مسير و في الوصول الى كل مطلوب.

«الصبر في قبال الوظائف و المكاره»؛ هم در واجبات و هم در محرمات صبر هست. **«و المصابرة ادامة الصبر و الثبات عليه»**؛ صابروا؛ یعنی یک صبری باشد که مستمر است، دنباله‌دار است. این را قبلا عرض کردم، اما بخش زیبایش این است: من به جاده نفس بردم و اینکه ادامه‌دار در کل عمر باشد. نکته‌ی قشنگی که ایشان می‌گویند، این است: می‌گویند صبری که مقطعی باشد، خُب تمام می‌شود، اما «صابروا» که ثبات دارد و استمرار دارد، خواهی و نخواهی در بین مجتمع ظهور می‌کند. یعنی در ارتباط با مردم هم قرار می‌گیرد. یعنی با این کلام لطیفشان، هم بین استمرار «صابر» جمع کردند و هم ظهور آن در اطراف مجتمع. فرمودند: **«بحيث يظهر الصبر منه على اللسان و يتجلى بين الناس»**؛ یعنی چون این صبر استدامه دارد، در ارتباطاتشان مجبور است کاری کند که این صبر او ظهور پیدا کند. البته «صابروا» یک معنایش این است که در ارتباط با دیگران، صبر به خرج بده؛ تحمل داشته باش؛ حسن خلق داشته باش. این مانعی ندارد. احتمال دیگری هم هست که مفاعله و اشتراک در «**صابروا**»، متخذ و مربوط باشد به سوره‌ی مبارکه‌ی «العصر» که می‌فرماید: «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[1] تواصی به صبر، مصابره می‌شود. مصابره، یعنی طوری است که یکدیگر را به صبر سفارش کنند. نه اینکه در ارتباط با آن‌ها صبر به خرج بده. یعنی تواصی به صبر کنید. این محتملات، در این آیه‌ی شریفه وجود دارد.

---

[1]. العصر، آیه‌ی ۳.

«انتظار نمازِ بعدی» در معنای «رابطوا»

شاگرد: معنای اخیری که فرمودید، با معنای «رابطوا» موافق است. یعنی اگر «رابطوا» نباشد، سخت است. در خود «رابطوا»، صبر انسان با خدای متعال هم مطرح است.

استاد: بله، مرحوم طبرسی در مجمع، یک گوهری گذاشته‌اند. البته باز سؤالی است که قابل تحقیق است؛ می‌فرمایند «قیل»:

> «وقيل: إن معنى رابطوا أي: رابطوا الصلوات، ومعناه: انتظروها واحدة بعد واحدة، لأنّ المرابطة لم تكن حينئذ، روي ذلك عن علي بن أبي طالب عليه أفضل الصلوات، وأكمل التحيات»[1].

برخی گفته‌اند در زمانی‌که آیه‌ی شریفه نازل شده است، مرابطه [مرزبانی] نبوده است، چرا؟؛ چون هنوز بلاد اسلامی تشکیل مرز نداده بود که عده‌ای آنجا اهل ثغور باشند و دم مرز کشیک بدهند و لذا، اگر بلاد اسلامی ثغور داشت، غزوه‌ی تبوک که در سال‌های آخر عمر حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله بود، محقق نمی‌شد. در غزوه‌ی تبوک، به حضرت خبر دادند که روم آمده است. خُب، ثغور نداشت؛ لذا پیشگیری کردند. در غزوه‌ی تبوک، جیش العسرة رفتند؛ در این غزوه بود که یکی از مهمترین فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام ظهور کرد. احمد بن حنبل، در رابطه با این فضیلت، می‌گوید: «تقشعر منه الجلود»[2]. جیش العسره و سخت‌ترین غزوه بود، بالاترین لشگر و سرباز و امیر لشگر اسلام برای پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، در بالاترین غزوه، بالاترین امیر و لشگر سپاه، امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، اما در این غزوه‌ی به این مهمی، حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: ای علی شما باید در مدینه بمانی. کسی که کارآیی دارد و مهمترین فرد است، باید او را ببرند؛ خود حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله حضور داشتند و در معرض شهادت بودند و غزوه‌ی مهمی بود؛ چون با روم بود، اما حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: شما در مدینه بمان. حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «أتخلفني مع النساء و الصبيان؟!»؛ شما در مدینه همه را بردید، فقط زنها و بچه‌ها ماندند؛ علی علیه السلام، در مدینه با زنها و بچه‌ها چه کار کند؟! آن هم بالاترین امیر لشگر! حضرت صلّی اللّه علیه و آله جمله‌ای را گفتند که احمد بن حنبل می‌گوید مو بر بدنها سیخ می‌شود. حضرت فرمودند: «اما ترضى ان تكون منّي بمنزلة هارون من موسى الا انّه لا نبيّ بعدي».

البته بعضی‌ها نقل به معنا کرده بودند و عبارت حضرت صلّی اللّه علیه و آله را نفهمیده بودند. بعضی نقل کرده بودند که حضرت فرمودند: «الا انّک لست بنبیّ». درحالی‌که این تعبیر حضرت نبوده است. حضرت نفرمودند «الا انّک لست بنبی». فرمودند: «الا انّه لا نبی بعدی». کسانی که سخندان هستند، می‌دانند چقدر تفاوت دارد. «الا انّک لست بنبیّ» نقل معنای یک راوی است. آنچه که حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند این بود که «الا انّه لا نبیّ بعدی»؛ یعنی اگر بعد از من پیامبری بود، تو مقامش را داشتی. اما بعد از من پیامبر نیستی، خُب، چون دیگر پیامبری

نیست. خیلی تفاوت می‌کند.

مرحوم طبرسی در این قیل می‌فرمایند: «لأنّ المرابطة لم تكن حينئذ، إن معنى رابطوا أي: رابطوا الصلوات، ومعناه: انتظروا واحدة بعد واحدة». این دستگاه قرآن است. این هم منابع و تراث عظیمی است که برای همه هست. الآن نمی‌خواهیم «رابطوا» را از آن ربا‌طی که همه می‌دانیم، تخلیه کنیم. «رابطوا» قرار نیست با یک قیل، از معنای واضحش جدا شود، اما این هم هست؛ «رابطوا» یعنی هر نمازی که می‌خوانید به فکر نماز بعدی باشید؛ «معناه: انتظروا واحدة بعد واحدة»؛ «انتظروا» به چه معنا است؟ نمازی که می‌خوانید، منتظر بعدی‌اش باشید. «روي ذلك عن علي بن أبي طالب عليه أفضل الصلوات، وأكمل التحيات»؛ از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که «رابطوا» یعنی بین نمازهای شما، انفصال نباشد.

شاگرد: مراقبه داشته باشید.

استاد: احسنت. در روایت هست که به حضرت صلّی اللّه علیه و آله عرض کردند: «نَخَافُ عَلَيْنَا النِّفَاقَ»[3]؛ یعنی می‌ترسیم منافق باشیم! فرمودند: چرا؟؛ گفتند وقتی محضر شما هستیم، حس می‌کنیم قلب نورانی است، با صفا است. اما وقتی نزد اهل و عیال می‌رویم، فاصله می‌گیریم و می‌بینیم آن حال نورانیتی که در محضر شما هستیم، رفت. منافق همین است؛ وقتی نزد شما می‌آید عابد و مسلمان است، وقتی به خانه می‌رود، بر می‌گردد. این منافق نیست؟! حضرت فرمودند: این نفاق نیست! تخفیف دادند و تسهیل کردند! بعد فرمودند: «كَلَّا إِنَّهُ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»؛ خیلی تعبیر عجیبی است. «خطوة» به‌معنای گام برداشتن است. فرمودند: از خطوات شیطان است. یعنی وقتی از نزد من می‌روید، شیطان یک دفعه شما را روی حالی که در آخر کار دارید، نمی‌برد، قدم به قدم می‌برد. هر قدمی برداری از آن حالی که نزد من بودید، دور می‌شوید. «انتظار الصلاة» به چه معنا است؟ یعنی نماز شما را جلو می‌برد. مواظب این خطوات شیطان باشید، هر گامی که شیطان شما را برد، دوباره سر جای اول خودتان برگردید. اگر برنگردید، در گام دوم، دوباره فاصله گرفته‌اید. خطوات یعنی پشت سر هم می‌آیید و اواش اواش دور می‌شوید. وقتی منتظر هستید، هر قدمی که بر می‌دارد، دوباره به جای اول بر می‌گردید؛ نمی‌گذارید قدم دوم را بردارد. وقتی بر می‌گردید، دوباره باید زحمت بکشد که همان قدم را ببرد. این هم از چیزهای جالبی است که در مجمع البیان فرموده بودند.

---

[1]. شیخ طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن (چاپ: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات)، ج ۲، ص ۴۸۴.

[2]. خلال، السنة، ج ۲، ص ۱۴۱.

[3]. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص۴۲۳.

کلام المیزان ذیل آیه؛ «فذلکة للسورة»

این را برای چه عرض کردم؟؛ برای اینکه حضرت علیه السلام، در ابتدای سخن، به آیه‌ای ورود کردند که مفسرین اینطور می‌گویند. حال تعبیری علامه‌ی طباطبایی، در المیزان، را ببینید. ایشان هم وقتی به این آیه می‌رسند، همینطور می‌گویند. در این پنجاه سال تا الآن، شاید ده‌ها فایل در رد و ایراد در بیان ذیل این آیه در المیزان نوشته شده باشد. رسم مرحوم علامه این است که گاهی هفت-هشت آیه را می‌آورند و بعد بحث می‌کنند اما در اینجا جالب است؛ این آیه را کلاً منفرد کرده‌اند. یعنی گویا گفته‌اند که این خودش یک آیه تامه است و باید راجع به آن بحث کنیم. وقتی شروع می‌کنند، به این صورت است:

> «(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُوا وَاتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ـ ۲۰۰.)
>
> (بيان) الآية بمنزلة الفذلكة لتفصيل البيان الوارد في السورة، وفيه تخلص منه بأخذ النتيجة وإعطائها. والمصابرة هي التصبر وتحمل الأذى جماعة باعتماد صبر البعض على صبر آخرين فيتقوى الحال ويشتد الوصف ويتضاعف تأثيره ، وهذا أمر محسوس في تأثير الفرد إذا اعتبرت شخصيته في حال الانفراد»[1].

«الآية بمنزلة الفذلكة لتفصيل البيان الوارد في السورة»؛ حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت] می‌فرمودند: به درس یک عالمی رفتند، او می‌گفت: «فذلکة البحث». یکی نگفت: «فذلکة» به چه معنا است! «فذلک» یعنی فذلک فذلک؛ یعنی خلاصه و حاصل.

می‌فرمایند این آیه، با این که یک سطر است، خلاصه و حاصل شد ِتفصیل ِهمه‌ی بیانات است. یعنی امام علیه‌السلام، در اینجا، وقتی می‌خواهند معنای «سلام» را بگویند، در کل قرآن سراغ آیه‌ای می‌روند که جامع است و همه چیز را در خودش جمع کرده است. این مسأله، مهم بودن این حدیث را نمی رساند؟! لذا عرض کردم: حضرت علیه السلام همه را جمع کرده‌اند.

بعد علامه توضیح مختصری می‌دهند. در ادامه وارد بحثی می‌شوند که در این پنجاه سال اخیر، خیلی محل اختلاف است. این از جاهای المیزان است که مرحوم علامه طباطبایی از «أغوست كنت»[2] هم اسم می‌برند و یک بخشی از اصالت را به جامعه می‌دهند. «اصالة الجامعه‌ای» می‌شوند. بعداً هم در میان شاگردان ایشان، منا‌قشاتی شده است. برخی از شاگردان ایشان، این حرف را تأیید کرده‌اند و برخی دیگر از تلامذه‌ی ایشان، منا‌قشه کرده‌اند و تا الآن با فاصله‌ی پنجاه سال، چقدر شاگرد شاگرده‌ا، در و ایراد کرده‌اند. حتی دیروز یک فایلی از سال 1399 دیدم که در در اصالة الاجتماعی نوشته شده بود که در اینجا گفته شده است و مرحوم آقای مطهری هم پی آن را گرفته بودند. در در این بود که این نمی‌شود و سر نمی‌رسد. بعد از این همه سال منا‌قشه ... .

شاگرد: مقصود از «اصالة الاجتماع» این است که انسان، مفطور بر اجتماعی زیستن است؟

استاد: خیر؛ بیش از اینها است. ان شاء اللّه، برای جلسه‌ی فردا، شاید مثال خوبی باشد.

منظور این‌که در المیزان فرمودند: کل آیه‌ی شریفه به این صورت است. خود ایشان هم وقتی آیه‌ی شریفه را به صورت مختصر معنا می‌کنند، خیلی زیبا می‌فرمایند که صبر مطلق است و کل چیزها را تر بر می‌گیرد: **«الأوامر مطلقة فالصبر يراد به الصبر على الشدائد، والصبر في طاعة الله ، والصبر عن معصيته ، وعلى أيّ حال وهو الصبر من الفرد بقرينة ما يقابله. والمصابرة هي التصبر وتحمل الأذى جماعة»**؛ به اجتماع رفتند. **«باعتماد صبر البعض على صبر آخرين فيتقوى الحال ويشتد الوصف ويتضاعف تأثيره، وهذا أمر محسوس في تأثير الفرد إذا اعتبرت شخصيته في حال الانفراد»**. بعد هم راجع به مصابره می‌گویند. بعد هم در مورد **«رابطوا»** می‌گویند که **«و هي إيجاد الجماعة»؛ رابطوا فقط مربوط به ثغور نیست. یعنی غیر از صبر اجتماعی که تحمل می‌کنید «وهي إيجاد الجماعة ، الارتباط بين قواهم وأفعالهم في جميع شئون حياتهم الدينية»**. این هم مختصری است که ایشان توضیح می‌دهند.

---

[1]. علامه‌ی طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۹۱.

[2]. همان، ص ۹۷.

مراتب «رابطوا» در کلام مرحوم مصطفوی

خب، حالا به هدف بیاییم. بنابراین اینکه حضرت علیه السلام، راجع به‌سبب بیان فرمودند، میثاق و این آیه را مطرح کردند؛ «اصبروا صابروا رابطوا». راجع به «رابطوا» مرحوم آقای مصطفوی مطالب خوبی را اشاره کرده‌اند. حیف است اشاره نکنم. ایشان ذیل کلمه‌ی «ربط» فرموده‌اند: «و المرابطة لها مراتب اولها تحقق الارتباط بین الافراد و من یهدیهم و یرشدهم، ای فیما بین الامة و الامام» همان روایتی که می‌گوید: «رابطوا الامام»، ایشان آن را اولین مرتبه قرار داده‌اند. بعد فرمودند: «ثانیها تحقق المرابطة بین الرعیة و الامة لیکون رحماء فیما بینهم»؛ اول مرابطه این است که امام خوبی داشته باشید. «رابطوا» یعنی بروید امام مناسب پیدا کنید. این اولین است. بعد از اینکه امام الهی برای خودتان انتخاب کردید، حالا «رابطوها رحماء بینهم». بین خودتان مرابطه داشته باشید. «ثالثها تحقق الربط من جهة التجهیزات و القوی»؛ حالا که با هم خوب شدید، برای صیانت مجتمع خودتان مرابطه‌ای تشکیل بدهید تا بتوانید از اعداء و دشمنان، محفوظ بمانید. این هم مرحله‌ی سوم است. بعد فرمودند: «و لایبعد ان نقول انّ الربط فیما بین البدن و القلب مرتبة اولیة قبل هذه المراتب». این را هم در آخر کار می‌گویند. می‌گویند: من اول گفتم جمع شوید و امام تعیین کنید، اما اگر بخواهید کسی باشید که به‌دنبال امام الهی بلند شوید و یک امام انتخاب کنید، اولش باید رابطه‌ی بین بدن و قلب درست شود. یعنی باید قلب را نزول بدهید و صاحب قلب شوید. یعنی این بدن، حیات حیوانی نداشته باشد. «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ»[1].

حاج آقای حسن زاده این را، در درس‌شان، زیاد تکرار می‌کردند؛ با لحن خودشان. می‌گفتند: «اگر بر آب روی خسی باشی و اگر در هوا پری مگسی باشی، دل به دست آور، تا کسی باشی». همه این را زیاد شنیده‌ای، مردم چطور معنا می‌کنند؟؛ یعنی یک کسی را خوشحال کن. اما مقصود ایشان اصلاً این نبود. هر هفته یک بار این را می‌خواندند. می‌گفتند: «دل به دست آور» یعنی صاحب دل بشو. وقتی صاحب دل شدی، دل دیگران را به دست می‌آوری. اما دل به دست آور تا کسی باشی.

شاگرد: قلب عالم امکان امام زمان عجّل اللّه فرجه الشریف است.

استاد: اتفاقا وقتی دل خودش را به دست می‌آورد، می‌شود. یکی از اساتید مثال خیلی خوبی می‌زدند. فرمودند: دل‌ها مثل پاره‌های آهن است. آن قلب اصلی که مغناطیس کل است، مثل قطب مغناطیسی کره‌ی زمین است. اگر آن را به دست آوردید، خود دل بلد است که رو به کدام قطب مغناطیسی بایستند. این، مثالی خیلی قشنگ است. «ای من هو للقلوب مغناطیس»[2]. قلب امام علیه‌السلام مغناطیس الکل است. آن قطب مغناطیسی، قلوبی که حیّ‌شده‌اند و وصول به قلب برایشان شده است، می‌دانند کجا متوجه شوند. ولذا عرض کردم اگر از غفلت در بیایید، حرف انبیاء و اوصیاء علیهم السلام، برایش مبهم نیست.

شاگرد: یکی از بهترین راه‌ها همین است که به‌دنبال رضایت حضرت علیه السلام باشد.

استاد: بله؛ این از چیزهایی بود که حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت] زیاد تکرار می‌کردند. دیدی، می‌گوینـد: «کجایی تا من به سراغت بیایم!». ایشان رسمشان این بود که می‌گفتند: شما به ما بگویید کجا نیستی؟! این حرف را زیاد تکرار می‌کردند.

---

[1]. ق، آیه‌ی ۳۷.

[2]. ملاهادی سبزواری، شرح منظومه (با تحقیق آیت اللّه حسن زاده‌ی آملی)، ج ۳، ص ۶۶۳.

تطبیق «صابروا» بر تقیه، در برخی از روایات

شاگرد ۲: در روایت، «صابروا» به تقیه، تطبیق شده است.

استاد: احسنت، بنده یادم رفت عرض کنم. این هم یکی از چیزهای خیلی عالی است. «صابروا و رابطوا»؛ رابطوا الامام. اگر «صابروا» صبر در مجتمع باشد، یعنی شما وقتی ابتداءً می‌خواهید صبر کنید، باید بر طاعت خداوند متعال و دوری از معصیت او صبر کنید. به تعبیری که همه زیاد شنیده‌اید، طاعت و دوری از معصیت در اعتقاد و عمل! مگر در اعتقاداتت هم دچار معصیت می‌شود؟! اگر شما بخواهید بر اطاعت و ترک معصیت در اعتقاد و عمل صبر کنید، با اصطکاک اجتماعی برخورد می‌کنید. چون بعد از فتنه‌هایی که در عالم اسلام آمده است، نمی‌شود در اعتقاد و عمل بر آن صبر کنید و مبتلا به تقیه نشوید و لذا دارد: «اصبروا» و بعد «صابروا». صابروا یعنی در ارتباط با دیگران و در صبر خودتان در طاعت و معصیت، چاره‌ای ندارید جز این که مصابره هم بکنید. این هم مطلب زیبایی است که در روایت آمده است. یعنی «صابروهم علی التقیه».

سؤال ما این است: حضرت علیه السلام فرمودند: «یسلّم لهم الارض المبارک». در قرآن کریم ما «الارض المبارکة» نداریم. «لِلْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ»[1] «الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ»[2] به این تعبیری «الارض المبارکه» نداریم. اما شاید بیش از ده آیه، راجع به «الارض المبارکة» داریم. جالب است که این واژه را نداریم اما راجع به «الارض المبارکة» با واژه‌های دیگری، آیه داریم. ان شاء اللّه ملاحظه کنید. هفت-هشت آیه وجود دارد. یادداشت بفرمایید تا در جلسه‌ی بعدی مطرح کنیم. «الارض المبارکة»، واژه‌ی قرآنی بسیار مهمی است. چیزی نیست که فقط در این روایت آمده باشد. در آیات شریفه دیگر هم هست.

و الحمدللّه ربّ‌العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

---

[1]. القصص، آیه‌ی ۳۰.

[2]. المائدة، آیه‌ی ۲۱.